مجلهٔ فکاهی

مُلانصرالدین



شمارهٔ دهم

امرداد ماه



مجلهٔ فکاهیِ ملانصرالدین، ارگانِ خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین

www.mollanasroddin-magazine.ir

این نشریه‌ای تک نفره است. یعنی همهٔ کارهای آن، اعم از نوشته و کارتون و کاریکاتور و ساخت رویه‌های نخست و پایانی، همه به دستِ حیدر سهیلی اصفهانی به انجام می‌رسد.



اندر حکایت دادن تسهیلات، مر تولیدگران را

سرمقاله به قلم ادیب المخ بدیع اللسان یخته دل

آن وزیر عظیم و آن مایهٔ مباهات و تعظیم و آن که ستینگش را برای وزارت مادام العمر کرده‌اند تنظیم؛ در سخنانی بس گهربار و مایهٔ افتخار فرموده‌اند که تولیدگران را باید تسهیلاتی بس سترگ داد تا مملکت را به راه انتاج و تولید و ساخت و ساز ببرند:

گفت آن مرد شریعت را مدار

بهر تولید، کیسه ها را شل کنید

هر که از ره آمد و پولی بخواست

جیب او را ترگل و ورگل کنید

آن وزیر فهیم و یک تنه، همچون تیم، چه خوب دانست که اکنون روزگار انتاج و تولید و ساخت محصولات بس ثمین است، لذا باید پیشه‌وران را مایه بی‌شمار داد تا آن را به کار اندازند؛ قطعات اجناس بنجل از دیار چین و ماچین آورند و آن‌ها را بر سر هم بندند و بر آن با خط زر نویسند:

جنس ما باشد ز تولید وطن

پیچ‌هایش را ببسته مش حسن

آن که گوید خر، به امثال چو من

خر خودش باشد، ز خیل مرد و زن

در این میان، معاندان و دشمن شادان که از تولید ملی به ستوه آمده و چشم دیدن رونق تولید داخل ندارند، فریاد و فغان سر داده‌اند که ای وای! درست آن باشد که دولت فخیمه، صاحبان سرمایه را بر آن دارد که دست در جیب مبارک کرده و با خرید ابزار و آلات تولید، در هر خطه که سواد دارند و حرفه‌اش را می‌دانند، چراغ تولید را روشن کنند و دولت را باید بهر یافتن بازار و تبلیغ اجناس، ایشان را مدد رساند، نه این که پول و ارز مفت دولتی بگیرند و بازی قدیمی تولید ملی را با قطعات وارداتی خارجی راه اندازند و هر بی‌مایهٔ سوداندوزی را تبدیل به صنعتگر دروغین کنند:

گر خبیری، صانعی، صنعتگری

خوب دانی رسم و راه کار خویش

ور بخواهی، پول مردم را خوری

رسم دزدی را بیاری هم به پیش



کسانی هم در این وانفسای نبرد، تیغ اتهام خود کشیده و آن را بر وزیر نگون بخت حوالت می‌دهند که ای عمو، تن جناب‌عالی را بیم این جماعت بازاریان وارداتچی لرزانده است که بهر نبرد با دولت معاند، پول خود را حوالهٔ بازار مسکن نموده‌اند و بر آنند تا بهای مِلک را تا مَلَک اعلا بالا بکشند و مردم یک لا قبای مستمند را به خاک مذلت بکشند تا شاید به کوی و برزن بریزند و داد از دولت ستمگر بستانند و حالا جناب وزیر، فغان سر داده اند که شما را به خدا، دست ایشان را باز بگذارید تا شاید این تیغ فرو بنهند و به کار دیگر مشغول شوند که به قول خواجهٔ شیراز:

آسایش دو گیتی، مرهون این دو حرف است

با دوستان مروت، با دشمنان مدارا..!

و الله اعلم

اخبار داخله



موگرینی گفت: این ستکس عملیاتی شده و مشکلی ندارد

مسئول سیاست خارجی اتحادیهٔ اروپا ضمن تاکید بر این خبر، از ایرانیان خواست که به تعهدات خودشان بازگردند به گزارش خبرنگار خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، موگرینی خاطرنشان کرد که مشکل اصلی «این ستکس» نیست و ایرانیان نباید از بابت این ستکس مشکل داشته باشند. او در پاسخ به این که مشکل اصلی چیست، گفت:

«مشکل اصلی مال اون ستکس است. این ستکس، راهکار بسیار فعال و خوبی است که شما هر بار می‌توانید با تهیهٔ کوزه‌ای، آن را سرش بگذارید و آبش را بخورید. مشکل ما اون‌ستکس است که طبق آن قرار است بر اساس آن، پول به اینستکس تزریق شود و شرکت‌ها با ایران معامله کنند. هر بار از شرکت‌ها و کشورهای اتحادیهٔ اروپا می‌خواهیم به آن توجه کنند و در آن فعالیت کنند، دوستانه به ما لایک می‌دهند. همان حرکتی که شما ایرانی‌ها به آن می‌گویید بیلاخ!»

ظریف: راه حل خروج آبرومندانه آمریکا از شرایط فعلی وجود دارد

وزیر امورخارجه تاکید کرد: آمریکا می‌تواند هم آبروی خود را حفظ کند و هم مشکلات خود را با ایران برطرف کند.

او در پاسخ به پرسش خبرنگار خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، در این باره که «آقای دکتر آخه چطوری هم آبروش را حفظ کنه و هم مشکلاتش را با ایران حل کنه؟» گفت:

–«کافیه برگرده به برجام و بی‌خیال همهٔ اون رجزها و شاخ و شونه کشیدن‌هاش بشه...»

خبرنگار ما گفت:

–آقای دکتر یعنی بی‌تعارف بگه : «غلط کردم!»

دکتر ظریف پاسخ داد: «ای همچین! یه چیزهایی تو همین مایه‌ها..!»



وزیر اقتصاد اعلام کرد: بازگشت ۵ میلیارد دلار ارز صادراتی از ابتدای سال

وزیر اقتصاد و دارایی مملکت اعلام کرد: از آغاز سال جاری خورشیدی، پنج میلیارد دلار ارز صادراتی معروف به ارز جهانگیری را به کشور بازگرداندیم.

خبرنگار خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین، از کارشناسی که با توپ و تشر خواست نامش را منتشر نکنیم، پرسید: «ها این که جناب وزیر فرمودند، یعنی چه!؟»

کارشناس پاسخ داد: «یعنی این که ارز چهارهزار تومانی را که قرار بود، با آن دارو و وسایل پزشکی وارد کنند، فقط خودش را خشکه برگرداندند.»

خبرنگار ما پرسید: «خب همین یعنی چه؟»

کارشناس گفت: « یعنی این که توانستند با پس گردنی و تیپایی اصل آن پول را برگردانند و حالا هم از شدت خوش‌حالی کم مانده برخیزند و بابا کرم برقصند.»

خبرنگار ما پرسید: «حالا چرا برقصند و حالا چرا بابا کرم؟»

کارشناس گفت: «چون که اولا این‌ها فقط بابا کرم بلدند و دوم این که پول بی زبان در سرزمین و بلاد کفر و کشورهای دیگر، به خورد زمین رفته بود و مجبور شدن از حلق زمین بیرون بکشند.»

خبرنگار ما گفت: «خب این خورد زمین یعنی چه؟»

کارشناس پاسخ داد: «یعنی تبدیل به ملک شده بود!»

خبرنگار ما پرسید: «چگونه بازپس گرفته شد؟»

کارشناس گفت: «با اقدامات ژنتیک! برای استخراج آن، از ژن‌های متعالی و پرورش یافته..!»

خبرنگار ما گفت: «لامصب! خب بگو آقازاده‌ها به اسم کمک به دور زدن تحریم‌ها و تامین مایختاج ضروری کشور، پول را هاپولی کرده بودند و در خارج از کشور صرف خرید زمین و ملک کرده بودند، دیگه! بعدش هم به ضرب دگنک ازشون پس گرفتن...»

کارشناس گفت: «خوب شد زور زدی فهمیدی! اما مبادا ببینیم جایی اسمش را منتشر کنی..!»

خبرنگار ما پاسخ داد: «برو ببینیم بابا! آخه کی وسط نخودها، تو را لپه حساب می‌کنه؟ دو روز از خونه دور بشی، روز سوم، زنت هم فراموشت می‌کنه...»



وزیر صنعت اعلام کرد: واردات کشور بیست و دو درصد کاهش یافته است

رضا رحمانی، از فرصتی استفاده و اعلام کرد: واردات مملکت ۲۲ درصد کاهش یافت و همین جور ادامه پیدا کند، به مرز ۱۰۰ درصد هم خواهیم رسید.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین، رحمانی این سخنان را در مراسم گشایش اولین نمایشگاهِ «نمی‌دونم چی چی، اصلا ولش کن کی اهمیت می‌ده» بیان کرد. او در پاسخ به پرسش خبرنگار ملانصرالدین که از او پرسید: «خب چرا؟» به کوتاهی پاسخ داد: «واسه هرا»

خبرنگار ما اصرار کرد: «نه جون بابات مزه نریز! راستش رو بگو...»

و جناب وزیر سرش را پایین آورد و یواشکی گفت: «خب آی‌کیو! معلومه چرا... پول نداریم... خیلی سخت بود؟»

خبرنگار ما در پایان گفت: «آهان از اون لحاظ...راستی نمی‌خوای مثل بقیه، اسمت را نگیم؟» جناب وزیر پاسخ داد: «مگه این مملکت چند وزیر صنعت داره... عجب گرفتاری شدیم به خدا!»

همراه با: **دکتر الاغ خرنژاد**

راه‌حل مشکل آب‌های آلوده در شمال

- **پرسشگر:** جناب دکتر الاغ، در شماره‌های اخیر مجله، بارها از رهنمودهای شما، دربارهٔ موضوع‌های مختلف بهره‌مند شده‌ایم. در شمارهٔ این ماه، قصد داریم نظر شما را دربارهٔ موضوع متفاوتی بدانیم. آن هم انتقال آب دریای خزر به کویر مرکزی ایران که در چند سالهٔ اخیر بارها در محافل سیاسی و مطبوعاتی و حتی دانشگاهی مطرح شده است...

- **دکتر الاغ:** تا حالا در هیچ محفل خرانه، از جمله طویله‌ها، چنین موضوعی مطرح شده است؟

- **پرسشگر:** نه خیر! یعنی نشنیده‌ام!

- **دکتر الاغ:** بس که آدمین!

- **پرسشگر:** یعنی چی جناب دکتر؟

- **دکتر الاغ:** خب آدم... تا حالا برای بررسی این موضوع، با همسایگان دریای خزر گفتگو کرده اید؟

- **پرسشگر:** خب راستش نه! فقط یک کارشناس از اون ور آب گفته: اصلا همچی چیزی امکان نداره... چون...

- **دکتر الاغ:** چون باید هم حجم رودخانهٔ ولگا آب بردارید و این امر به خشک شدن، سواحل شمالی منجر می‌شه... یعنی سواحل قزاقستان و روسیه! شما همچی جراتی دارین؟

- **پرسشگر:** خب البته نه!

- **دکتر الاغ:** حالا سئوال قبلی... ضرورت انجام این کار... تا حالا بهش فکر کردین؟

- **پرسشگر:** خب استان سمنان آب نیاز داره...

- **دکتر الاغ:** سمنان آب می‌خواد؟ مگه خودش گودال‌های دریاچه‌ای به جا مانده از دوران باستان نداره... خب چرا این آب را از جنوب، یعنی دریای عمان به این گودال‌ها منتقل نمی‌کنین؟ چطوری می‌خواین این همه آب را از کوههای البرز رد کنین؟

- **پرسشگر:** نمی‌دونم والله! خب انتقال این همه آب، حتی اگه همسایه‌های دریای خزر اجازه بدن، نه به صرفه است و نه از هیچ آدم عاقلی بر میاد...

- **دکتر الاغ:** اما به هر حال، سمنان آب می‌خواد! آیا شمال ایران مشکل آب داره؟

- **پرسشگر:** نه خیر! آب زیاد داره...

- **دکتر الاغ:** من به شما می‌گم داره! آب‌های آلودهٔ پس از مصرف، همه‌اش به دریا ریخته می‌شه... و این امر، در حال نابودیِ محیط زیست اونجاست. برادران و خواهرانِ الاغ من، در آن خطه خبر داده‌اند که آبیاری با آب آلوده، حتی روی مزهٔ یونجه هم تاثیر گذاشته...



- **پرسشگر:** کاملا درسته! اما قصد دارن با روش‌های نانو درستش کنن...

- **دکتر الاغ:** نانو یعنی چی؟

- **پرسشگر:** نمی‌دونم! فقط می‌دونم خیلی علمیه...

- **دکتر الاغ:** که علمیه..؟ یعنی این همه آب آلوده‌ای که داره روزانه تولید می‌شه را می‌خوان با روش‌های نانو بازیابی کنند؟

- **پرسشگر:** یه همچی چیزی؟

- **دکتر الاغ:** حالا کی ابلهه؟ ما خرها یا شما آدم‌ها؟ آب دریای خزر را بدون اجازهٔ همسایه‌ها می‌خواین از چهار هزار متر ارتفاع رد کنین و بریزین داخل سمنان... بعد با مواد شیمیایی یا نمی‌دونم کدوم کوفت و زهرمار، میلیون‌ها متر مکعب آب آلوده را بازیابی کنین... آن هم داخل مرداب انزلی ..! بعد به ابله جماعت می‌گین خر؟ چرا نمی‌گین آدم..؟

- **پرسشگر:** آقای دکتر من اصلا منظورتون را نمی‌فهمم...

- **دکتر الاغ:** الان منظورم را می‌فهمی... مشکل آب‌های آلوده در شمال، به سبب مصرف روزانهٔ آب به وجود آمده... از جهنم که نریخته سر شمالی‌ها! از آسمون آب زلال و با کیفیت می‌ریزه. این شمائید که دارین آب‌ها را آلوده می‌کنید. تازه گیریم آب مرداب و دریاچه را با نانو مثلا پاک کردین که عمرا بشه... این همه آب آلوده را که به دریا می‌ریزین می‌خواین چکار کنین؟

-**پرسشگر:** خب چه کار کنیم؟ یعنی مصرف نکنیم؟

- **دکتر الاغ:** نه خیر! شما الان نیاز به یک سیستم فاضلاب بزرگ و گسترده در سراسر شمال کشور دارین نه نانو و کوفت و زهر مار... باید از آستارا تا گرگان و گنبد کاووس، سیستم فاضلاب گستردهٔ سطحی و زیر سطحی شکل بگیره و بعد این حجم آب آلوده را از طریق لوله‌های قطور فاضلاب، از چند نقطه که امکانش هست به جنوب و شرق مناطق هیرکانی منتقل کنید. از جمله سمنان و خراسان و حتی شرق مازندران و گلستان... در آن جا به منظورهای مختلف تصفیه کنید. نه این که هزینهٔ سنگین بشه برای تصفیهٔ آب آشامیدن که هم گرونه و هم غیر ضروری، بلکه تا حد استفاده‌های صنعتی و کشاورزی تصفیه کنید.

- **پرسشگر:** چطور به فکر ما نرسیده بود؟

- **دکتر الاغ:** مگه شما فکر هم می‌کنید؟ شما فقط غیبت می‌کنید و تهمت می‌زنید و دروغ می‌گید. دیگه وقتی ندارین برای فکر کردن...

- **پرسشگر:** من سریع برم این طرح خوب را پیشنهاد بدم. خیلی ممنونم از شما استاد بزرگوار، جناب دکتر الاغ خر نژاد! من رفتم..!

- **دکتر الاغ:** عجب آدمیه! خیال می‌کنه که حالا همه از خوش حالی پر در می‌آرن و ازش تشکر می‌کنن. بدبخت داری با دست خودت، گور خودت را می‌کنی. زیرآب زن‌ها و پاپوش دوزها منتظرن تا تحویلت بگیرن. عجب آدمیه!



اخبار خارجه

اعتراض رئیس جمهوری آمریکا به کمیتهٔ حقوق بشر سازمان ملل

دونالد ترامپ، صبح امروز با ارسال شکایت‌نامه‌ای به کمیتهٔ حقوق بشر سازمان ملل متحد، از بابت نقض ابتدائی‌ترین حقوق خود اعتراض کرد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین، او بدون این که به نامی اشاره کند، خود را اسیر کسانی دانست که در نامه، از آن‌ها، به عنوانِ «یه مشت لاشی» یاد کرد. کارشناسان معتقدند که او همواره، از این صفت برای اشاره به همهٔ کسانی که از دستشان بسیار عصبانی است، استفاده می کند.

در بخشی از نامهٔ او آمده است: «یه مشت لاشی، افتادند به جون منِ بدبخت! یه عده‌شون، می‌خوان منو خر کنن، برم جنگ با ایران! من هم چشم و گوشت بسته، هواپیمای نازنین خودمو فرستادم تو دهن ایران... اون‌ها هم نامردی نکردن، هواپیمای منو پودر کردن! من اصلا خبر نداشتم این‌ها موشک سطح به هوا دارن. تازه این لاشی‌ها اومدن به من می‌گن ناراحت نباش: همش صد و بیست میلیون دلار بوده... صد و بیست میلیون دلار! می‌فهمین؟ چقذه؟ تازه رفتم پرس تی وی ایران را گوش دادم، یارو برگشته می‌گه: قیمت هواپیما دویست و بیست میلیون دلار بوده... یعنی ایرانی‌ها خیال می‌کردن صد میلیون دلار بیشتر می‌ارزه! خب نامردها، می‌رفتیم بهشون می‌فروختیم صد چوق بیشتر کاسب می‌شدیم.»



اون در بخش دیگری از نامهٔ خود افزود: «یه مشت لاشی دیگه هم نشستن تو اروپا، می‌گن برگرد با ایران صلح کن. حالا دیگه!؟ بعد از این همه خاک بر سری؟ من طبق این نامه، خواستم بگم: آخه لاشی‌ها! یعنی شماهایی که در سازمان ملل نشستین، برای جونورها هم کمیتهٔ حفاظت از حقوق راه انداختین، یعنی من بدبخت از جوونور کمترم؟ خب یه فکری هم برای من لاشی بکنین!



انگلیسی‌ها، نفتکش ایرانی را در جبل الطارق بلند کردند | روح نتانیاهو هم از این ماجرا خبر ندارد!

نفتکش ایرانی، هنگام عبور از تنگهٔ جبل الطارق توقیف شد. مأموران حاکم جبل الطارق، دست نشاندهٔ انگلیس، می‌گویند: نفتکش، حامل نفت کوره به مقصدِ سوریه بوده است.

به گزارش خبرگزاریفکاهیِ ملانصرالدین، به نقل از خبرگزاری‌ها، ترزا می نخست وزیر در حالِ اسباب‌کشیِ انگلیسی‌ها اعلام کرد: «به پیر به پیغمبر، این توقیف هیچ ربطی به بنیامین نتانیاهو نداره. این قده این بچه را نچزونین... به خدا می‌ره معتاد می‌شه!"

نخست وزیر در حال اسباب کشی، تاکید کرد: «دونالد ترامپ، خودش در خواب دیده که یک کشتی داره نفت به سوریه می‌فرسته و همون شب، من لباس خواب پوشیده بودم و تازه خوابم برده بود که زنگ زد و گفت: عشقی! الان ایرونی‌ها دارن نفت به سوریه می‌رفسن... بهش گفتم به بی‌بی نتانیا بگو جلوشون رو بگیره. من این ور دنیا چی‌کار کنم آخه؟ دونالدی گفت: آخه عشقی! بارشون داره از جبل

الطارق رد می‌شه. همون جا که هنوز مستعمرهٔ شماست. می‌دونی که همون خط برده‌داری سابق که ... زود حرفش را قطع کردم. همش دوست داره تن منو بلرزونه... چقذه هم بی‌تربیته، همش می‌گفت: "دوربینت رو روشن نکن، تازه غذا خوردم"...نکبت!»



او در پاسخ به پرسش خبرنگاران که اطلاعات واصله، حاکی از نقش نخست وزیر اسرائیل در این ماجراست و این که لندن به درخواست او، اقدام به توقیف نفتکش ایرانی کرده است، قاطی کرد: «واه! بچم چه کار داره؟ همش می‌ندازین گردنِ بچم؟ اون ساعت شب اصلا بچه‌ها خوابن.»

خبرنگار خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین پرسید: «عمه ترزا! واسه چی دونالدی اصرار داشت دوربینت را روشن نکنی؟ مگه چی می‌دید که واسه سوء هاضمه‌اش بد بود؟»

نخست وزیر در حالِ اسباب‌کشی انگلستان گلخید که «به تو چه ربطی داره، فضول! برو ننه جونت رو مسخره کن...ایششش نکبت!»



علت اصلی فراخوان نیروهای امارتی از یمن اعلام شد

در پی افزایش شایعات، دربارهٔ «عه! واسه چی نیروهای اماراتی از یمن خارج شدند» علت آن رسما اعلام شد.

به گزارش خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین، یک منبع دویست کیلویی امارتی، بعد از التماس و لابه که «جون باباتون، به کسی نگین من گفتم» خاطرنشان کرد: در پی افزایش شمار شاهزاده‌های مؤنثی که همراهِ سرباز خوشگل‌های پایگاه آمریکا مستقر در این کشور، از کاخ‌های سلطنتی امارات به غرب فرار می‌کنند، امیر امارات متحدهٔ عربی، نیروهای خود را از یمن فراخواند تا آن‌ها را اطراف کاخ‌های سلطنتی بکارد.»



این منبع که دوباره خواست نامش فاش نشود و گرنه چوب تو ... (عی! چقذه هم بی‌تربیته) در پاسخ به این سئوال که آیا مقام‌های اماراتی نمی‌ترسند که شاهزاده‌های مؤنث، با سربازهای اماراتی فرار کنند، گفت: ترا خدا نگین من گفتم (خیلی خب حالا..!) آخه مرد حسابی، کی با این میمون‌ها فرار می‌کنه؟ تازه سربازهای آمریکایی کلی پول می‌گیرن و تازه با کلی وعده و وعید، برای آیندهٔ بهتر، زیر بار فرار با این زن‌های ترشیده می‌رن..! تازه یه چیز دیگه...

خبرنگار ما در این جا، سخن او را قطع کرد و گفت: «بسه دیگه بابا، با این حرف‌های خاله زنکی، خبرگزاری ما را به گند کشیدی!»

گفتگوی ماه

گفتگو با وزیر امور اسکاتلند، در کابینهٔ ترزا می | داریم تجزیه می‌شیم!

سلام خوانندگان ارجمند، من صفا گزارش‌زاده، در خدمتم برای تقدیم گفتگویی تازه با کسی که بیشتر شما اونو نمی‌شناسین. اما انگلیسی‌ها خوب می‌شناسنش! دیوید مندل، وزیر امور اسکاتلند در کابینهٔ فعلی انگلستان... برای گفتگو باهاش، نه بدبخت شدم، نه تو سرم زدم و نه رفتم سراغ شبکه‌های اجتماعی با هویت مخفی. خیلی شیک و پیک تماس گرفتم و گفتم خبرنگار خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدینم. کلی تحویلم گرفت و هی شوخی بی‌مزهٔ اسکاتلندی تحویلم داد و من هم محض خوش خدمتی غش غش خندیدم تا این که بلاخره از بس الکی خندیده بودم، گونه‌هام درد گرفت و زودی پرسیدم:



- دیوید! بوریس جانسون داره می‌یاد... یعنی همون که می‌خواد برگزیت را حتی بدون توافق با اتحادیهٔ اروپا اجرا کنه!

- **مندل:** مگه تو نگفتی از طرف یه خبرگزاری فکاهی داری با من تماس می‌گیری؟ عوض این چیزهای اعصاب خورد کن، چرا از شمارهٔ سوتین ترزا از من سئوال نمی‌کنی؟

- **صفا:** خب چنده؟

- **مندل:** خب چون سوتین‌هاش را در ایام جوانی خریده، حالا فقط مجبور شده بندهاش را بلند کنه تا روی شکمش برسه.... ها ها ها ها! بامزه بود نه!

- **صفا:** یخ کنی! خیال کردم می‌خوای بگی سوتین عروسک نوه‌اش را می‌بنده... دیوید! تو گفتی اگه بوریس بیاد، ممکنه انگلستان تجزیه بشه... به چند قسمت؟

- **مندل:** خیلی عاقلی! خب معلومه به دو قسمت، اون یکی اسکاتلنده!

- **صفا:** پس جبل الطارق چی می‌شه؟

- **مندل:** ها ها ها! این هم قشنگ بود... عینِ سوتین عروسک نوه‌اش! ها ها ها!

- **صفا:** برای این که از تجزیهٔ اسکاتلند جلوگیری بشه، چه کار می‌خوای بکنی؟

- **مندل:** تو داری جوک می‌گی! خب به نظرت باید چه کار کنیم؟

- **صفا:** به نظرم، باید جبل الطارق با کاتالونیا بشن یک کشور تا تعادل انگلستان پس از تجزیه اسکاتلند حفظ بشه..! تازه با داشتن بارسلون، تیم ملی خوبی هم درست می‌کنن...

- **مندل:** شوخی بی‌مزه‌ای بود! هی ایرانی، من می‌دونم زبون شما خیلی نیش و کنایه داره..!

- **صفا:** آخه! کنار جبل الطارق، الان یک نفتکش ایرانی توقیف کردین تا در عوض، از آمریکا حق الحساب بگیرین. پس عجیب نیست که الان از ترس تجزیهٔ اسکاتلند به خودتون می‌پیچین و فردا از بابت تجزیهٔ جبل الطارق... اسپانیایی‌ها هم که درگیر قیام کاتالونیا هستند، از این اتفاق بدشون نمی‌یاد... اینه آخر و عاقبت بریتانیای بزرگ؟

- **مندل:** آره تو راست می‌گی! این هم شوخی بود. اما شوخی تلخیه که ما از بابتش خیلی وحشت کرده‌ایم.

- **صفا:** ببین مندل! تو الان دقیقا با چی چیِ بوریس جانسون مخالفی و از چی‌چی رقیبش دفاع می‌کنی؟ خب اولی می‌خواد بدون توافق از اتحادیه جدا بشه و دومی، هر طور شده می‌خواد با اتحادیه برای خروج به توافق برسه. اسکاتلندی‌ها هم فقط در یک صورت آروم می‌شینن! این که انگلستان در اتحادیه بمونه!

- **مندل:** ببین جوکر ایرانی! من هم این‌ها را می‌دونم، اما اقلا جرمی هانت، یه مدتی بازی در میاره تا وقت بگذره و ببینیم چه خاکی به سرمون بریزیم. وگرنه هر دو گزینه، یکی بده و دیگری بدتر!

- **صفا:** نخست وزیرتون که مدتیه کاسهٔ گدایی به دست، دور دنیا می‌گرده... برای چی به ایران گیر می‌ده؟ این جا کلی فرصت سرمایه‌گذاری و کار هست؟

- **مندل:** هی جوکر ایرانی، چی بگم که دلم خونه! ببین اوضاع ما را که به کجا رسیدیم؟ حکایت بد و بدتریه که بهت گفتم. با ایران بپریم، بازار آمریکا را از دست می‌دیم. با ایران درگیر بشیم، حیثیت بین‌المللیمون خدشه‌دار می‌شه، اما بازار آمریکا را داریم.

- **صفا:** خب کدومش بهتره؟

- **مندل:** خب معلومه! بازار آمریکا..؟

- **صفا:** یعنی نگرانِ حیثیت بین‌المللی خودتون نیستین؟

- **مندل:** کدوم حیثیت..؟ وقتی تو! جوکر ایرانی، داری مسخرمون می‌کنی... بگو کدوم حیثیت را می‌گی؟ ما کی حیثیت داشتیم که حالا حیثیت داشته باشیم.

- **صفا:** راست می‌گی! باید گفت: انگلیسی باش راحت باش! حالا می‌خواین چه خاکی سرتون کنین؟

- **مندل:** چه می‌دونم؟ ما الان رب النوع تناقضیم: حیثیت پَر! اتحادیه پَر! احتمالا اسکاتلند هم پَر... فقط آمریکا را داریم..! اون وسط هم گیر کردیم، بین اولویت‌های بد و بدتر!

- **صفا:** پس عجیب نیست نخست وزیرتون گریه می‌کرد...

- منـدل: گریهٔ اون رو جدی گرفتی؟ اون فقط از بوریس جانسون حرصش می‌گیره! وگرنه عمرا برای انگلستان گریه کنه... زنیکه خیال می‌کنه هنوز سی سالشه و اون لباس‌های مسخره را تنش می‌کنه. اما حالا باید پیرزنی با لباس‌های دخترانه برود و یک مرغابی گندهٔ بغ بغو کن، مثل این بوریس مسخره، به خونهٔ شمارهٔ ده نقل مکان کنه... هر روز صبح هم در اون خونه باز بشه و اون خرس گنده، کیف به دوش و سوار دوچرخه، عین مأمور پست، از خیابون داونینگ تا کاخ باکینگهام پا بزنه... مردک معلوم نیست چرا هر چی پا می‌زنه، چاق‌تر می‌شه!؟

- **صفا:** دیوید، برگزیت، برجام نیست! اگه بیرون برین، خودتون می‌مونین با ترامپ که هر روز، یه حالی داره..!

- **مندل:** جوکر ایرانی! قرار بود منو بخندونی. خیلی هم به خنده احتیاج داشتم... خدا لعنتت کنه، حالا دارم گریه می‌کنم. می‌دونی «من و ترامپ تنهایی» یعنی چی؟

- **صفا:** نه نمی‌دونم!

- **مندل:** یعنی تجاوز به عنف! اون هم نه یک بار و نه صد بار! این مرتیکه به متحدای خودش همون جور نگاه می‌کنه که به فاحشه‌های کاباره‌هاش! شاید روزی برسه، برای حفظ اقتصادمون، دست به دامان شما ایرانی‌های ناجنس بشیم.

- **صفا:** خب ما باید اول روابط شما را با اسکاتلند، همسایهٔ شمالی بررسی کنیم. شاید منفعت ما در حفظ روابطمون با کشور اسکاتلندِ تازه استقلال یافته باشه. ما که نمی‌تونیم اون‌ها را ناراحت کنیم.

- **مندل:** برو گمشو جوکر عوضی! باز هم نیش و کنایهٔ ایرانی حواله‌ام کردی. اصلا چی از جونمون می‌خواین؟ چرا نمی‌ذارین به درد خودمون بمیریم؟ پدرسوخته‌ها، مگه خودتون تنگه ندارین که اون نفتکش لعنتی را از جلوی دماغ ما رد کردین، بعد هم اون نتانیای ناجنس ما را مجبور کرد توقیفش کنیم. حالا دیگه همه می‌دونن ما چقدر بدبختیم که نمی‌تونیم حتی کمی مقاومت کنیم و حتی به این اسرائیل مردنی، نه بگیم. برو گمشو..!

- **صفا:** ببخشین خوانندگان عزیز، راستش بدجور گریه‌ام گرفته... یارو گریه کنون، تلفن را قطع کرد. واقعا از ما بدبخت‌تر هم پیدا می‌شه...! فعلا خداحافظ... شما هم اشکاتون را پاک کنین... واسه خبرگزاری فکاهی ما شگون نداره!



خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین

MOLLANASRODDIN SATIRE NEWS AGANCY

واقعیت خنده‌دار است!

نشانی خبرگزاری ما روی اینترنت: www.mollanasroddin-magazine.ir


به گمونم این‌ها دنبال
پناهندگی اومدن!
راهشون بدیم بیان تو..!
Stiglich
© 2019 CREATORS.COM
WWW.TOMSTIGLICH.COM


ببند دهنشو!
ببند دهنشو!
پناهنده
Phil Hands WISCONSIN STATE JOURNAL
TRIBUNE CONTENT AGENCY


The Guardian
BEN JENNINGS


هاني مظفر - الحياة
Trump
حقوق بین الملل

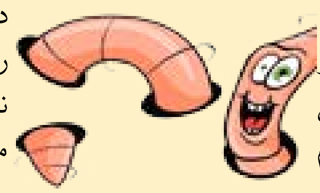
اخبار داخله

دولت از ساکنان مناطق عقب‌مانده خواست، کمی جلوتر بیایند

به گزارش خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین، به نقل از خبرگزاری فکاهیِ مصری الحدود، دولت مصر از ساکنان مناطق پرت و دورافتاده خواست که به پیشروی به سوی مرکز و مناطق مرفه شهری، نهادهای دولتی را در رسیدگی به اوضاع و عرضهٔ خدمات شهری یاری برسانند.

خبرنگار خبرگزاریِ ملانصرالدین، در این باره با یکی از مسئولان کشوری خودمان گفتگو کرد و نظرش را در این باره خواست. او گفت: مبادا هویت من رو... خبرنگار ما، سخنش را قطع کرد و پاسخ داد: «خیلی خب! معرفت نمی‌کنیم و نمی‌گیم که این شر و ورها را کی گفته، حرفت را بزن!» این مسئول که دوباره خواست نامش جای ذکر نشود، پاسخ داد: «خب راست می‌گه بدبخت! وقتی بلند می‌شن می‌رن کیلومتر ۲۵ جادهٔ رباط کریم می‌شینن، من بدبخت چطوری بهشون خدمات برسونم. اقلا بیان نارمک یا ونک بشینن تا من هم بتونم بهشون کمک کنم. این چه مسخره‌بازیه؟! بابا ما کسانی را داریم که بلند شدن رفتن ساکن ممسنی شدن. ممسنی هم شد جا؟ مثلا خیابون فرشته یا محلهٔ فرمانیه چه مشکلی داره که شما بلند شدین رفتین اون جا زندگی می‌کنین؟ فکر من بدبخت را هم بکنین که باید این همه راه بیام. اگه همهٔ مردم می‌رفتن ساکن محله‌های مرفه می شدن، دولت و نهادهای دولتی در رسیدگی به آن‌ها هیچ مشکلی نداشتن.» این مقام مسئول در پاسخ به پرسش خبرنگار ما که پس مردم مستمند و ندار باید چه خاکی به سرشان کنند، گفت: «خاک رس!»





ضرورت تجدید نظر در تاریخ

عده‌ای از جوانان از هویت‌های مختلف، با خواندن چند پست تاریخی در فیس‌بوک، خواستار تجدید نظر در تاریخ شدند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین، مملی کورش کبیر، با خواندن سر جمع، دو پست سه سطری تاریخی و چند سطر اول یک پست ده سطری، متوجه شد که کل مشکلات تاریخ ایران، به سبب خیانت اقوامی است که با گرفتن رشوه از دشمنان، زبان فارسی را فراموش کردند و تصمیم گرفتند زبان ترکی بیاموزند. اگر همان زمان، همهٔ این اقوام قتل‌عام می‌شدند و فقط فارس‌زبان‌ها می‌ماندند، اکنون ایران، از نظر قدرت و ثروت، به آلمان می‌گفت: زکی!

یاشار حسن زاده، با نام فیس‌بوکی یاشار اتا بابیک، با ورق زدنِ کتاب قوقولی قوقول، اثر یکی از مبارزان بر حق راه پان تورکیسم، از حقیقت تاریخی وحشتناکی پرده برداشت و اعلام کرد:

«برادران مغولمان با کمک تیمور لنگ، تصمیم گرفتند برای کمک اتا بابیک یا همان بابک خرمدین، به ایران حمله کنند، اما متاسفانه بابک به دست فارس‌های کصافط قبلا کشته شده بود. لذا تصمیم گرفتند فارس‌های کصافط را بکشند تا انتقام خون بابک را بگیرند.»

نیچروان که هنوز وقت نکرده پستی را بخواند، با دیدنِ یک تابلوی فوتوشاپی، از اتحادیهٔ ترک‌ها و فارس‌ها ضد اقوام کورد برای نابودی آن‌ها نوشته و معتقد است کسی که آریوبرزن را به عرب‌ها لو داد تا آن‌ها او را به اسکندر تحویل دهند، یک فارس کصافط بود. البته بعدها، کوردها، او را به شکل فجیعی کشتند.»

احمد عبود، ۱۴ ساله، در فیس‌بوک خود، روی عکسی با نوار سیاه، از روز سقوط خوزستان به دست فارس‌های کصافط یاد کرد که بعد از چهار هزار سال حکومت اعراب عیلامی (!!!) به اشغال نیروهای رضاشاه درآمد.



به گزارش خبرنگار خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین، تعدادی از این مورخان، حاضر شدند با گرفتن چند بسته پفک و چیپس، دست از ادعاهای تاریخی خود بردارند، اما عده‌ای دیگر، آن چنان به عقاید خود پایبند هستند و ایمان دارند که به کمتر از اسمارتیز و شکلات‌های خارجی راضی نمی‌شوند.

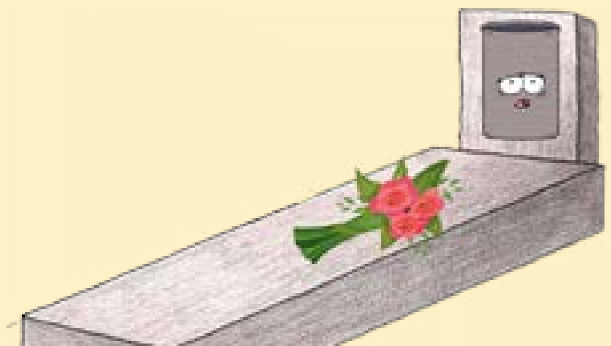
جای خالی نفت ایران را نمی‌توانند پر کنند

خبرنگار خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین، با ذکر این خبر، به نقل از وزیر نفت کشورمان افزود: «یعنی عمرا بتوانند!»

او در پاسخ به سئوال خبرنگار ما که اگر نمی‌توانند جای خالی نفت ایران را پر کنند، خو این نفت کجاست؟

بیژن زنگنه پاسخ داد: این نفت در دل ما زنده است و یاد آن تا ابد در دل‌های ما باقی می‌ماند.

با شنیدن این سخن، یک دقیقه سکوت رعایت شد و سپس، یکی از خبرنگاران با صدای بلند گفت: فاتحه مع الصلوات! همه بعد از صلوات، شروع به خواندن فاتحه خواندن کردند و یکی هم یک قوطی خرما را میان حضار چرخاند.



به این مناسبت، فردا بر سر مزار آن مرحوم مغفور جمع می‌شویم و دسته‌های گل را بر مزار او پریشان خواهیم کرد. بعد از ظهر هم مراسم ختمی از سوی وزارت نفت برگزار خواهد شد تا یاد آن فقید سعید را گرامی بداریم. وسیلهٔ ایاب و ذهاب موجود است. لطفا ماشین نیارین!

پرداخت هزینه‌های درمان

به گزارش خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین، در چند بیمارستان، از جمله بیمارستان فوق تخصصیِ «بزن در رو» روش‌های تازه‌ای را برای بازپرداختِ بدهی بیماران ابداع شده است.

در این بیمارستان‌ها، بیمارانی که هزینهٔ درمان خود را ندارند یا از بیمه‌های خاک بر سری مثل بیمهٔ سلامت بهره می‌گیرند، قرار شده است تا به روش‌های مختلفی هزینهٔ درمانشان تأدیه شود. در موارد ساده‌ای مثلِ عملِ آپاندیس، بیمار باید پس از خروج از اتاق عمل، به آشپزخانه یا دستشویی‌های عمومی منتقل شود تا اقدام به شستشوی ظرف‌ها یا ملافه‌های کثیف و یا توالت اقدام کند.

در موارد حاد، بخشی از مورد عمل شده، به فراخور حال به بدن بیمار بازگردانده می‌شود. مثلا در مورد آپاندیس، به میزان هزینهٔ پرداختی، بخشی از آپاندیس بیمار بریده و پس از وزن‌کشی با ترازو، به بدن بیمار عودت داده می‌شود. این روش، در بیماران سرطانی هم اجرا می‌شود.

برای بیماران برخوردار از بیمه‌های سلامت، اضافه بر تنبیه‌های دیگر، باید در دفترچهٔ بیمه بنویسند: «این دفترچهٔ بیمه به درد شکم عمه‌ام می‌خوره!» خبرگزار خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین افزود: « در مواردی که بیمار عمه ندارد، می‌تواند از دیگر اعضای فامیل مایه بگذارد. ترجیحا خاله!»



اخبار خارجه

علت اصلی فراخوان نیروهای امارتی از یمن اعلام شد

در پی افزایش شایعات، دربارهٔ «عه! واسه چی نیروهای اماراتی از یمن خارج شدند» علت آن رسما اعلام شد.

به گزارش خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین، یک منبع دویست کیلویی امارتی، بعد از التماس و لابه که «جون باباتون، به کسی نگین من گفتم» خاطرنشان کرد در پی افزایش شمار شاهزاده‌های مؤنثی که همراهِ سرباز خوشگل‌های پایگاه آمریکا مستقر در این کشور، از کاخ‌های سلطنتی امارات به غرب فرار می‌کنند، امیر امارات متحدهٔ عربی، نیروهای خود را از یمن فراخواند تا آن‌ها را اطراف کاخ‌های سلطنتی بکارد.»

این منبع که دوباره خواست نامش فاش نشود و گرنه چوب تو ... (عی! چقذه هم بی‌تربیته) در پاسخ به این سئوال که آیا مقام‌های اماراتی نمی‌ترسند که شاهزاده‌های مؤنث، با سربازهای اماراتی فرار کنند، گفت: ترا خدا نگین من گفتم (خیلی خب حالا..!) آخه مرد حسابی، کی با این میمون‌ها فرار می‌کنه؟ تازه سربازهای آمریکایی کلی پول می‌گیرن و با کلی وعده و وعید، برای آیندهٔ بهتر، زیر بار فرار با این زن‌های ترشیده می‌رن..! تازه یه چیز دیگه...

خبرنگار ما در این جا، سخن او را قطع کرد و گفت: «بسه دیگه بابا، با این حرف‌های خاله زنکی، خبرگزاری ما را به گند کشیدی!»

ترامپ آمادگی خود را برای پذیرفتنِ مجدد برجام اعلام کرد

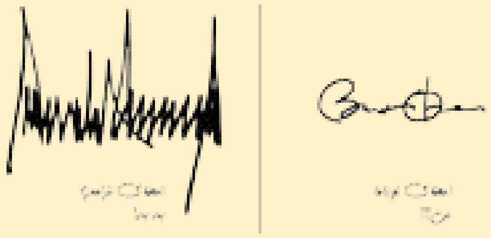
خبرنگار خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین، با استفاده از سوژهٔ خبری همکار خود در خبرگزاری فکاهیِ الحدود، این خبر فوری را مخابره کرد: «اعلام آمادگی ترامپ برای بازگشت به برجام و پذیرفتنِ مفاد آن!»

خبرنگار ما به نقل از رئیس‌جمهوری آمریکا گزارش داد: «من آماده‌ام تا برجام را مجدد بپذیرم و به آن بازگردم، به یک شرط! به شرط این که امضای اوباما را از اون پایین توافق پاک کنند و امضای من رو بگذارند. چرا؟ یه نگاه به امضای اوباما بندازین. یه چیز کوچولوی لوس مسخره است. اصلا باید بای عینک بزنی تا ببینیش. برای دولتی مثل آمریکا زشت نیست، یه همچی امضایی؟ این جور امضاها به دردِ کشورهای کوچولویی مثل موناکو می‌خوره که خیلی جیگرن و می‌خوان کلاس بذارن. ما کشور قدرتمندی هستیم که باید امضاهای یُغور و کت و کلفت داشته باشه.»

خبرنگار ما در پایان، نمونهٔ امضای هر دو رئیس‌جمهوری آمریکا را گذاشته و نوشته است: «واقعا مقام‌های جمهوری اسلامی باید از خودشون خجالت بکشن که این همه حرف برای این بدبخت در



آوردن. این بی‌چاره از همون اول، فقط با امضای اوباما مشکل داشت و امضای اوباما روی اعصابش بود.»



چرا آلمان به عربستان سعودی و امارات متحده اسلحه صادر می‌کنند؟

برای بررسی این که واقعا، آلمان‌ها با آن همه ادعای حقوق بشر و دموکراسی، چرا به خود اجازه می‌دهند به ریاض و ابوظبی جنگ افزار و مهمات صادر کنند تا از آن‌ها ضد مردم یمن استفاده شود، کارشناسان نظریه‌های مختلفی دارند.

وسوسه‌های شیطان:

عده‌ای از آن‌ها، با دیدن لرزش دستان آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان به این نتیجه رسیده‌اند که به احتمال قوی، این لرزش ناشی از عذاب وجدان او، پس از صدور اسلحه به این کشورهاست. به این معنی که او نخست، با دیدن فروش‌های سنگین تسلیحاتی آمریکا به عربستان و امارات، از این که این مادر به خطاها، صدها میلیارد اسلحه می‌فروشند، اما آلمان باید برای مشتی یوروی ناقابل، پوشک بچه و پودر ماشین لباس‌شویی بفروشد، به شدت وسوسه می‌شود. قطعا این کار، کار شیطان است؛ چون مرکل، پس از هر بار صدور اسلحه، علاوه بر لرزش دست، تصمیم می‌گیرد که چند محموله پوشک و پودر و شیر بچه، همراه با چند تخته پتو به یمن ارسال کند. قطعا هدف او، رساندنِ این اقلام به مردم بی‌پناه و جنگ‌زدهٔ یمن است، اما واقعا به او چه ربطی دارد که وسط راه نصیب جنگجویان سابق القاعده و سربازان فعلیِ دولت مشروع یمن می‌شود و آن‌ها این شیرهای بچه را با آب قاطی می‌کنند و در آن نان تیلیت می‌کنند. به هر حال، همهٔ ما روزگاری بچه بودیم.

خسته شدن از دست جهان سوم

آدمی بلاخره خسته می‌شود. آلمان‌ها، از دست این جهان سومی‌ها خسته شده‌اند. آخه چقذه نصیحت، چقذه پند و اندرز؟ کارشان شده همین که با هم دعوا کنند. به آلمانی جماعت چه؟ چرا باید همه‌اش به آتش این آدم‌های نفهم و ابله بسوزند؟ اصلا اینقذه همدیگه را بزنند تا جر بخورند.



آلمان خودش به اندازه کافی جهان سومی دارد

همین که اون بالا نوشته! اقلا ششصد هزار نفرشان از ترکیه و نمی‌دونم کدوم کشورهای به قول ترامپ «سوراخ خلا» سرشان را انداختند پایین و عین خر، صاف آمدند تا آلمان! آن هم فقط آلمان، آخه گدا گشنه‌ها، مگه صربستان چشه؟ ها؟ اصلا چرا آمدید؟ مگه خودمان نمی‌خواستیم براتون کمک بفرستیم. حتما باید بیایید این جا ور دل ما، نژاد ما را به گه بکشید. تازه اشتهاتون هم کم نیست. اگه ولتون کنیم، حاضرین وسط خیابون، ترتیب زن‌های آلمانی را بدهید.

درد این مهاجرهای «سوراخ خلا» کم نیست، حالا باید بریم در کشورهای خودشان و بهشون کمک کنیم. نه بابا! رو دل نکنی! تازه ...خرج این گدا گشنه‌ها را از کجا بیاریم بدیم؟ خو مجبوریم اسلحه بفروشیم تا خرجشون دربیاد...

فلسفه کارسازه!

آلمان همیشه از مراکز مهم فلسفه بوده و هست. همیشه هم می‌شه با فلسفه، گه‌ترین عقاید را به شیرین‌ترین و قابل هضم‌ترین عقاید تبدیل کرد. یک جور تصفیه عقایده، شبیه تصفیهٔ آب فاضلاب..!

در طول تاریخ فلسفهٔ آلمان هم، کلی عقاید در دسته‌بندی‌ها و حوزه‌های گوناگون، شکل گرفته (بچه‌دار! خونه‌دار! زنبیل رو بردار و بیار!) پس از این نظر مشکلی نیست. برای این که این عقاید و فلسفه‌های ریز و درشت را به رویدادهای جاری ربط داد، کلی مفسر و کارشناس هست و مشکلی از این نظر ندارند.

برای همین، فلسفه این امکان را به آلمان‌ها می‌ده تا کمترین فشار وجدان را تحمل کنند و در عوض، میلیاردها دلار اسلحه بفروشند.

خدایا ما را فیلسوف کن! آن هم از نوع آلمانی..!

(سوژهٔ اصلی از شبکهٔ فکاهی الحدود، با دخل و تصرف کامل خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین)

ترامپ و سوراخ خلا

تویتی از دونالد ترامپ منتشر شد که به چهار نمایندۀ دموکرات کنگره می‌گوید: «برگردین وطنتون و آن جا را درست کنین و ...»

در واقع، او می‌خواهد بگوید: شما آمریکایی نیستید که..! شما یه مشت مهاجرید.

خب ما تعریف ترامپ را دربارۀ مهاجران می‌دانیم: «یه مشت مهاجر که از چند کشور سوراخ خلا آمده‌اند..!» پس از نظر ترامپ، کشورهای مهاجر فرست به دو دسته تقسیم می‌شوند: «کشورهای سوراخ خلا و کشورهایی که سوراخ خلا نیستند.»

سخنگوی او هم در تفسیر سخن رئیس خود، خطاب به خبرنگاری که از او سئوال می‌کرد، پرسید: « اول بگو تو از کدوم کشور اومدی؟» بعد اضافه کرد: « پدر و مادر من، از ایرلند و ایتالیا آمده‌اند، بگو ببینم: تو از کجا اومدی؟» می‌دانید یعنی چی؟ یعنی آیا تو از کشور سوراخ خلا آمده‌ای یا کشوری که سوراخ خلا نیست. ایرلند و ایتالیا، سوراخ خلا نیستند. پدر بزرگ ترامپ هم از آلمان آمده و طبق تعریف رئیس‌جمهوری آمریکا، آلمان هم سوراخ خلا نیست. خودش هم قبلا گفته بود که آیا شده از نروژ مهاجر قبول کنید؟ پس نروژ هم سوراخ خلا نیست.

به آن چهار نماینده که اقلا دو نفرشان آفریقایی تبارند، با تحقیر گفت: برگردین کشورتون! دو تای دیگر هم از آمریکای لاتین هستند که قبلا ترامپ اطلاع داده بود که آن جا هم سوراخ خلاست.

تا این جا مشکل کمی حل شده است. حالا ما نقشه‌ای داریم از کشورهای سوراخ خلا، از جنوب ایالات متحده تا قطب جنوب و همچنین قارۀ آمریکا... قبلا عقاید ترامپ را دربارۀ خاورمیانه فهمیده‌ایم که فقط پول دارند و باید پولشان را گرفت. پس خاورمیانه هم جزو این سوراخ است و نیز هندوستان و کشورهای اطرافش، وضع مشابهی با آفریقا و آمریکای لاتین دارد. در یک کلام، غیر از کانادا و اروپا، دیگر نقاط دنیا سوراخ خلاست. شاید حالا یه تخفیفی به ژاپن بده! فقط ژاپن!

ویژگی ساکنان سوراخ خلا، این است: پوستی تیره‌تر یا کاملا تیره دارند، گداگشنه‌اند و بی‌پول... چون اگر پول داشتند، آمریکا می‌توانست پول آن‌ها را از راه دور بگیرد و نیازی به آمدن این همه راه نبود. مثل همین سعودی‌ها..! اما اروپایی‌ها، سفیدند، خوشگلند و پولدار..!

به این شکل، چهار نمایندۀ دموکرات کنگره، هرچند زادۀ آمریکا هستند و بعضا حتی پدر و مادرشان هم در آمریکا به دنیا آمده‌اند، هویتی سوراخ خلائی دارند، اما ملانیا ترامپ، چون اروپایی است، سوراخ خلائی نیست. هر چند در سال ۱۹۹۶، به کمک ترامپ شناسنامۀ آمریکایی گرفت. چرا؟ چون ایشان نخبه محسوب می‌شد.



چه جور نخبه‌ای؟
نخبۀ سکس! او توانسته بود، به عنوان سوپراستار فیلم‌های خاک بر سری شهرتی به هم بزند.
ترامپ! منطقت تو حلقم..!



ته مقاله

نفتکش خوشگله!

شنیدین چی شده؟

مادر ... ببخشین... بی‌پدرها، رفتن نفتکش ما را سر گذر جبل الطا...نمی‌دونم چی‌چی گرفتن، پس نمی‌دن!

گور پدرتون پدرسوخته‌ها! غلط کردین! مگه شهر هرته...

دمشون گرم، بر و بچ خودمون، عوض یه نفتکش، چند تا نفتکش گرفتن. نفتکش که می‌دونین چیه؟ شبیه همین گاری‌های نعمت نفتی خودمونه، منتها بزرگتر! یکیشون که خیلی جیگره... قرمز جیگری!

من که خیلی خوشم اومد.

اون دفعه که طیاره‌شون را زدیم. حالشون خیلی بد شد. کلی فوش دادن... حالا هم نفتکش گرفتیم. اون هم نه یکی! چند تا..!



من پیشنهاد سازنده دارم واسۀ مسئولین کشور! قرائت کنن شاید به دردشون خورد:

اولا که دمتون گرم! اون همه گند زدین، بی‌خیال! این به اون در! ما خداییش کینه‌ای نیستیم... به شرط این که باز گند نزنین!

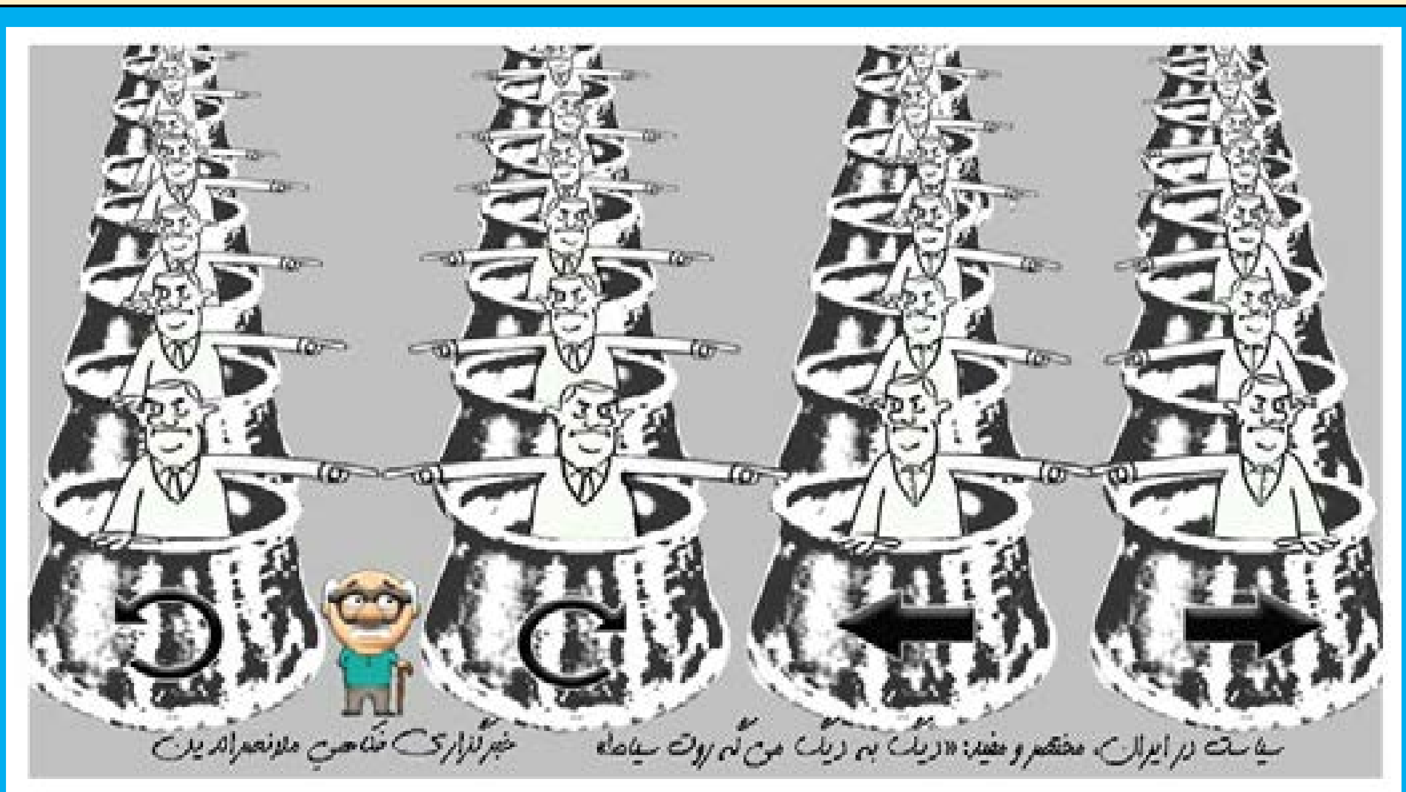
دوم این که ببین: اون نفتکش که سرگذرشون گرفتن که مال ما نیست. هست؟ نیست دیگه..! بذار وردارن واسه خودشون... گیر بدین این دو- سه تا نفتکش رو نیگر دارین. خصوصا اون قرمز خوشگله..! بگین اون واسه خودتون، اینها واسه ما... بعد خودشون می‌دونن و صاحب اصلیش... ما را سَنَه‌نَه!

خیلی هم گیر دادن! دو، سه تا از این لنج قراضه‌ها را قرمز جیگری رنگ کنین، بگین نفتکشتون خراب شد، انداختیم دور! بیا عوضش این‌ها را بگیرین.

یاد اون هشت سال به خیر! چقذه از این کارها می‌کردن. تولیدکننده الکی! دکل الکی..! فضاپیما الکی..! خب من هم یاد گرفتم دیگه...!

یادتون نره من چی گفتم... هشت سال می‌رفت تو پاچمون! بذار یه بار هم به نفع ملت تموم شه!

اثر انگشت: احمد آقای قاطی پاتی




Mollanasroddin
Satire Magazine
No:10
Stena Bulk
Sohaili Esfahani